



بازگشایی سفارت انگلیس در سال انتخابات چشم فتنه روشن شد

کیف‌های انگلیسی در تهران!



تکس جون هوبلینک

۲ صفحه

حقوقدان باید قانونی حرف بزند

مجلس اول بهترین مجلس بود؟

اصل نود و نهم قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و امید نیز که قصد نقض قانون ندارد گران بیاید و باعث این اظهارات رئیس جمهور شد.

ایشان همچنین فرمودند: «شورای محترم نگهبان ناظر است نه مجری. مجری انتخابات دولت است. دولت مسؤول برگزاری انتخابات است و دستگاهی هم پیش‌بینی شده که نظارت کند تا خلاف قانون صورت نگیرد. شورای نگهبان چشم است و چشم نمی‌تواند کار دست را بکند، نظارت و اجرا نباید مخلوط شوند، باید به قانون اساسی کاملاً توجه کرده و عمل کنیم». جدا از اینکه تقلیل مفهوم «نظارت» توسط رئیس جمهور به «چشم بودن» چیزی جز «ساده‌انگاری مفاهیم حقوقی» و نشان داده است هیات‌های اجرایی به دلیل وابستگی به وزارت کشور دولت در قدرت به صورت «شده» علی‌الکفار رحماء بینهم» عمل کرده‌اند و مثلاً در آخرین دوره انتخابات مجلس اگر دخالت شورای نگهبان نبود دولت تدبیر و امید امروز همین تعداد نمایندگان موافق هم در بهارستان نداشت. همچنین رئیس جمهور محترم به عنوان یک تحصیلکرده حقوق عمومی باید توجه داشته باشند که قانون هیچ‌گاه برای فرد یا دولت خاصی وضع نمی‌شود و قانون کارآمد قانونی است که تمام موارد و حالت‌های محتمل را در نظر داشته باشد و حتی اگر در این دولت تصمیم بر این باشد که با رعایت «تدبیر کامل» کشور صورت گیرد مسلماً ایشان منکر این حقیقت نیستند که امکان تخطی از قانون وجود دارد و به حکم عقل نظارت لازم است و اگر هیات‌های اجرایی دولت تدبیر و امید به «مُر قانون» عمل کنند مشکلی از جانب شورای نگهبان متوجه آنها نخواهد

بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی این اختیار را به شورای نگهبان داده است که در صورت تخطی هیات‌های اجرایی وزارت کشور از قانون و تأیید یا رد صلاحیت قانون افراد به اصلاح این تصمیم خلاف قانون بپردازد. پس بهتر است رئیس جمهور محترم به جای «دلواپسی» برای تداخل حوزه «نظارت و اجرا» بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی و در راستای وظیفه ریاست قوه مجریه «به قانون اساسی کاملاً توجه کرده» و به اجرای آن و قوانین عادی مانند قانون انتخابات مجلس بپردازد، زیرا این قوانین به روشنی جزئیات تداخل نظارت و اجرا را مشخص کرده‌اند و نیازی به نگرانی تئوریک رئیس جمهور محترم و نظریه‌پردازی در باب حدود نظارت و اجرا در این مورد نیست.

در پایان باید با تأکید بر این نکته که نگارنده در این جمله ریاست محترم جمهوری مبنی بر اینکه «اینجا جمهوری اسلامی ایران است و قانون اساسی در آن حاکم است» مطلقاً موافق است باید گفت اگر مجلس اول بهترین مجلس تاریخ انقلاب است مسلماً نباید علت آن را «حضور گروهک‌های مخرب در آن» دانست، چون بدون شک حضور گروهک‌های مخرب در ساختار سیاسی و آن هم در سطح مجلس خلاف «حاکمیت قانون اساسی» گرفت، چون اصل اساسی ورود به ساختار سیاسی احترام و رعایت قوانین و مخصوصاً قانون اساسی است و وجود چنین گروهک‌هایی بیشتر نقطه ضعف هر مجلس و ساختار سیاسی است - که البته این ضعف در دوره‌های بعد با اجرای کامل قانون اساسی و شکل‌گیری شورای نگهبان برطرف شد. پس باید برتری مجلس اول را در این دانست که نمایندگان آن مجلس با تعریف درست از نظارت در برهه‌ای حساس از انقلاب اسلامی به جای «نظاره‌گری» و «چشم بودن»، «دست قدرتمند اجرای قانون» شدند و جلوی نقض قانون را با رای به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور قانون‌شکن گرفتند.

روزنامه صبح ایران، آنچه وزیر خارجه انگلستان به آن اشاره نکرده این است که در مورد خاص این پرونده، دولت حسن روحانی حاکم بر تهران، نوع سفیندی‌ها، گفتمان حاکم بر انتخابات و در نهایت فردی که نام وی به عنوان پیروز انتخابات از صندوق بیرون می‌آید، فقط تعیین‌کننده سرنوشت یک نهاد حاکمیتی مانند دولت یا مجلس در ایران نیست بلکه می‌تواند همراه با خود بسیاری معادلات از جمله معادلات در حوزه امنیت ملی را جابه‌جا کند.

درست است که هاموند در این مورد خاص مشخصاً اغراق کرده ولی اصل این مساله که غربی‌ها معتقدند راه تغییر در محاسبات امنیت ملی ایران، دستکاری در محیط داخلی آن است را به زحمت می‌توان رد کرد. مشخصاً درباره پرونده هسته‌ای، آنچه وزیر خارجه انگلستان به آن اشاره نکرده این است که در مورد خاص این پرونده، دولت حسن روحانی حاکم بر تهران، نوعی تسریع‌کننده یا خنک‌کننده عمل کرده و الا زیرساخت‌های سیاسی و فنی که منجر به شکل‌گیری یک تفاهم نصفه و نیمه هسته‌ای در ماه گذشته شد، در اصل، در دولت‌های نهم و دهم آماده شده بود. با این حال واضح است که به مساله هسته‌ای صرفاً به عنوان یک نمونه اشاره می‌کند و معتقد است می‌توان و باید جلوتر رفت. امیدی که در سخنان هاموند نهفته است، موضوعی است که باید آن را جدی گرفت. با گشایش سفارت انگلستان در تهران - که می‌توان آن را سفارت‌خانه نیابتی آمریکا هم نامید - منطقی است فکر کنیم، آمریکا و انگلستان در پی آن هستند باز هم از این نقاط عطف در ایران تولید کنند. هنوز مسائل بسیار مهمی میان ایران و غرب باقی مانده که رویارویی استراتژیک درباره آنها ادامه دارد. حتی درباره مساله هسته‌ای هم نمی‌توان گفت واقعا یک راه‌حل ایجاد شده است. اگر هلموند تصور می‌کند این یک انتخابات بوده که به حل مساله هسته‌ای از دید غرب مدد رسانده، چرا نباید فکر کنیم مداخله در انتخابات‌های دیگر در ایران، اصلی‌ترین هدفی است که وی و دوستانش در ماه‌های آینده تعقیب خواهند کرد؟ اتفاقاً این منطقی‌ترین تحلیل ممکن از وضعیت است. انگلیسی‌ها درست در آستانه انتخابات مجلس در ایران مجدداً وارد تهران شده‌اند، تقریباً همه محافل غربی اتفاق نظر دارند انتخابات زمستان امسال تأثیری تعیین‌کننده بر آینده قدرت در ایران بر جای خواهد گذاشت، جریان‌های که سال ۸۸ به دلیل اقدام مشترک با طرف خارجی علیه امنیت کشور از صحنه سیاسی حذف شده بود به لطف «دولت نقطه عطف» دوباره به صحنه بازگشته است، مکانیسم‌های تضمین‌کننده سلامت انتخابات در کشور از سوی عالی‌ترین مقام اجرایی به چالش کشیده می‌شود، شبکه همکار رسانه‌های وابسته به لندن در داخل قوی‌تر و جری‌تر شده و تلاش‌هایی نیرومند برای تسری مدل مذاکرات هسته‌ای به سایر حوزه‌ها از سوی یک جریان خاص در جریان است. از این روند چه نتیجه‌ای باید گرفت؟ آیا عجیب است که تصور کنیم یک طراحی پس پرده برای ایجاد یک دوقطبی جدید در انتخابات مجلس و گرفتن ماهی از آب گل‌آلود و آنگاه آغاز یک بازی جدید در یک مساله غیر هسته‌ای، در جریان است؟ هاموند را باید جدی گرفت؛ نه به خاطر خودش بلکه به این دلیل که اکنون دوستان خوبی در ایران دارد.

نگاه امروز

دولت کار ندارد؟!

حسین قدیانی

نخستین روزهای تیر ۸۸ حتی روزنامه جمهوری اسلامی هم در ستون سرمقاله خود فرزای کوتاه را به نصیحت فلانی اختصاص داد: «چرا وقتی قانون اساسی، شورای نگهبان و ساز و کار انتخابات را قبول نداشتید، نامزد شدید؟!» این جمله پرسشی کاملاً دقیق، دقیق تر هم می‌شود اگر این‌بار، مخاطب را شخص علی‌جناب قرار دهد. مع‌الاسف ایشان هنوز انتخابات برگزار نشده، در رد شورای نگهبان حرف‌های ناصحیح می‌زند. باری بر گزار کنندگان را بی‌هیچ سندی متهم می‌کند به تقلب، دگر بار و باز هم بی‌هیچ سندی متهم می‌کند به نیت انجام تقلب! اگر ملاک، نه «فرا» بلکه «حق» است، باید از هر آن که شورای نگهبان را متهم به تقلب می‌کند، پرسید: «چرا وقتی قانون اساسی، شورای نگهبان و ساز و کار انتخابات را قبول ندارید، می‌خواهید کاندیدا شوید؟!» گمانم خمینی بت‌شکن هم مثل ما، نظام ۳۰۰ هزار شهید جمهوری اسلامی را مسخره آقایان نمی‌دانست؛ «هر کس بخواهد فساد کند و به مردم بگوید که این شورای نگهبان، پایه‌ها و ریشه‌هایش کذاست، این فساد است و مفسد است یک همچو آدمی. این مفسدی الارض تحت تعقیب باید قرار بگیرد». گمانم خامنه‌ای بت‌شکن هم مثل ما، نظام ۳۰۰ هزار شهید جمهوری اسلامی را مسخره آقایان نمی‌داند؛ «نظارت استصوابی شورای نگهبان، پایه‌ها و ریشه‌هایش در قانون اساسی است و در قانون عادی هم همان تأیید شده و وجود دارد. این نظارت هم برای شهروندان عادی و معمولی نیست. برای آن است که یک آدم ناباب، یک آدم مضر و یک آدم بد، به این مرکز حساس وارد نشود. این نظارت استصوابی مخصوص مجلس که نیست، درباره ریاست جمهوری هم هست. حالا شما ببینید یک آدم حرف پشتم‌اندازی که از خارج هم حمایت شود و پول فراوانی هم داشته باشد، خودش را به شکل‌های گوناگونی بیاریاد و اینجا بیاید و کاندیدا شود و اکثریتی را هم ببرد و رئیس جمهور شود، تکلیف مملکت چه می‌شود؟! نظارت استصوابی برای همین است که جلوی ورود آدم‌های فاقد صلاحیت را چه در مجلس، چه در ریاست جمهوری و چه در بقیه جاها مثل مجلس خبرگان بگیرد و اینها نتوانند وارد این مراکز حساس شوند». متأسفانه بعضی‌ها به جای آنکه مشغول مقوله خدمت باشند، نظارت استصوابی را می‌زنند یا خواهان برعهده گرفتن بخش مهمی از بدیهی‌ترین تکالیف شورای نگهبان می‌شوند! ایشان همان به در شب و ریزش یارانه به حساب ملت، از فرط دلواپسی، «عز» نگیزند، انجام امور سایر نهادها پیشکش! اگر «شورای نگهبان» نباشد، رئیس جمهور با لباس زئانه از کشور فرار خواهد کرد! اشاره ما به آن روز است که فقدان این نهاد مهم، از جاسوسی در مایه‌های بنی‌صدر، رئیس جمهور روی دست جمهور گذاشت! امروز اما نشان به نشان این همه حرف ناصحیح، آن هم به توسط اپوزیسیون، بل توسط افراد دست‌اندرکار، فرض است بر شورای نگهبان، عمل به مر قانون نظارت استصوابی کند. نظارت استصوابی وظیفه‌ای خطیری روی دوش شورای نگهبان برای طرد افسادطلبان و اصحاب فتنه است. بعضی‌ها اگر خیلی دوست دارند بداندند «هرم» چیست و دست کیست، باید مروری دوباره کنند این جمله معاون رئیس‌جمهور راه آن‌هم در گوش خبرنگار BBC، «توافق هسته‌ای اهرمی در اختیار اصلاح‌طلبان ایران در مقابل سایر گروه‌های سیاسی قرار می‌دهد!» سواى این حرف‌ها، اگر قرار بود تأیید صلاحیت نامزدها برعهده قوه مجریه باشد، آیا دولت قبل اصلاً صلاحیت رئیس دولت فعلی را تأیید می‌کرد که حالا ایشان بخواهند موضوعی از این قبیل اتخاذ کنند؟! من یک سوال اساسی دارم: «واقعا در دستگاه اجرا کار نیست که علی‌الادام این همه سخن غیرمرتبط بیان می‌شود؟!» مگر این مردم، رئیس‌جمهور معین می‌کنند که معاون ایشان به جای حل معضلات عدیده زیست‌محیطی، خوراک سیاسی دست رسانه رویا پیر بدهد؟! اساساً کار خاتم‌ابتکار چیست؟! اصولاً کار وزیر نفت چیست؟! کار وزیر مسکن چیست؟! کار خود رئیس قوه مجریه چیست؟! ادامه در صفحه ۵

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶